



قسمت اول

# « افترا و توهین در حقوق کیفری ایران »

سعید توکلی (وکیل پایه یک دادگستری)

مقدمه:

آنچه مسلم و واضح است، این است که طبع زندگی اجتماعی بشر مستلزم برخورد و تصادم اندیشه‌ها، گفتار و کردار و منافع خصوصی افراد جامعه است و این پدیده‌ها بعضاً منشاء وقوع برخی اعمال مجرمانه می‌شوند، به طوری که دلیل وقوع جرم را اجتماعی زیستن انسان می‌دانند. دسته‌ای از این جرایم با توسل به ابزار و امکانات مادی (عنف مادی) و دسته‌ای دیگر به وسیله زبان یا قلم صورت می‌گیرد که جرایم نوع دوم موجب مصدوم شدن شخصیت و حیثیت و شرافت افراد جامعه می‌گردد. بحث ما در این مقال، شامل آن دسته از جرایمی است که ضرر آن عاید شخصیت معنوی فرد می‌گردد؛ یعنی، شخصی به وسیله نوشته و گفتار و یا حتی اعمال و کردار خود مرتکب اعمال

مجرمانه‌ای علیه شخصیت معنوی دیگری می‌شود و بحث ما اختصاصاً پیرامون دو وصف کیفری «افترا» و «توهین» بوده که به مطالعه احکام و شرایط آن در حقوق موضوعه ایران به شرح مباحث آتی می‌پردازیم.

مبحث اول - بررسی جرم افترا از دیدگاه حقوق موضوعه  
فصل اول - افترای قولی و کتبی:

واژه «افترا» به معنای تهمت و بهتان آمده است. همچنین نسبت دروغ و کذب به کسی دادن، تهمت و اسناد هر چیز ناحق و بر خلاف واقع به دیگری را افترا گویند.

در آیات قرآنی نیز افترا به معنی لغوی آن استعمال شده است، از جمله در سوره طه، آیه (۶۱) «لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» و

یا در سوره هود، آیه (۵۰) "ان انتم الا مفترون".

می‌کند. این قبیل عناصر را "عناصر اختصاصی جرم" می‌نامند. که این عناصر اختصاصی، موجب تمایز ماهوی جرایم از یکدیگر می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

### عناصر عمومی جرم عبارتند از:

- ۱- عنصر قانونی: وجود متن قانونی که مقنن عمل را به‌عنوان جرم پیش‌بینی و مجازاتی را برای آن مقرر کرده باشد.
- ۲- عنصر مادی: فعل یا ترک فعل به صورت مادی و خارجی، نه تصور و اراده‌ای که فعلیت پیدا نکرده باشد.
- ۳- عنصر روانی: عمل با قصد و نیت مجرمانه یا تقصیر جزائی صورت گرفته باشد.

لازم به ذکر است، بعضی از حقوقدانان، عنصر دیگری را به‌نام عنصر "عدم مشروعیت" یا عنصر "تا‌عادلانه بودن عمل"<sup>(۲)</sup> را به عناصر سه‌گانه بالا افزوده‌اند. بدین معنی که گفته‌اند: عمل ارتكابی انجام یافته، نه تنها بایستی مخالف قانون باشد، بلکه هیچ‌یک از عوامل توجیه‌کننده جرم نیز در آن وجود نداشته باشد، تا عمل مزبور جرم شناخته شود. ولی باید دانست که جهات مشروعیت یا عوامل موجهه جرم که از نظر قانونگذار باعث تبرئه مجرم خواهد شد، مانند دفاع مشروع و حکم قانون یا امر قانونی که باعث زایل شدن عنصر قانونی جرم می‌شود، در حقیقت به فقدان این عنصر باز می‌گردد و نمی‌توان این عنصر را به‌عنوان یکی از عناصر جرم نظر گرفت.<sup>(۳)</sup>

اما از نظر فقهی، جرایم امور ممنوعه شرعی هستند که خداوند آنها را منع کرده و گناه دانسته است. این امور ممنوعه یا انجام فعل مورد نهی و یا ترک فعل مورد امر است، و این امور ممنوعه با وصف شرعی توصیف شده‌اند؛ زیرا واجب است که طبق نصوص شرعی منع شده باشند و فعل یا ترک آن تا زمانی که مجازاتی بر آن نباشد، به‌خودی‌خود جرم تلقی نمی‌شود. چون اوامر و نواهی، تکالیف شرعی هستند. لذا تنها متوجه هر عاقل عالم به تکلیف خواهند شد؛ زیرا تکلیف خطاب است و خطاب با کسی که عقل و شعور ندارد مانند خطاب به جماد و چهار پاست و کسی که می‌تواند اصل خطاب را بفهمد ولی توانایی درک جزئیات آن همچون امر یا نهی بودن و مقتضی ثواب و عقاب بودن آن را ندارد، مانند مجنون و صغیر غیر ممیزی که عاجز از فهم این جزئیات است، و بدین جهت تکلیف به ایشان وی محال خواهد بود؛ زیرا مقصود از تکلیف همچنان که متوقف بر فهم اصل خطاب است، بر فهم تفصیلات آن نیز توقف دارد.<sup>(۴)</sup>

بنابراین، در فقه اسلامی نیز برای تحقق جرم، وجود سه عامل ضرورت دارد:

افترا در اصطلاح عبارت است از: "نسبت دادن صریح عمل مجرمانه بر خلاف واقع به دیگری به یکی از طریق مذکور در قانون". به عبارت بهتر، افترا عبارت است از عملی که نسبت به توهین و هتک حرمت، یک مفهوم خاص دارد؛ یعنی، هتک حرمت اعم از افترا است، به نحوی که هر افترايي هتک حرمت بوده ولی هر هتک حرمتی افترا نیست. لذا در این جرم، حیثیت و شرافت فردی مورد تعرض قرار می‌گیرد. ارتكاب جرم افترا نیاز به عناصر خاص خود دارد که صراحت و خلاف حقیقت بودن و از پیش خود ساختن و ارتجال اسناد، از عناصر اصلی آن می‌باشد.

در سال ۱۳۱۳، مقنن در بند (ب) ماده (۲۶۹) مکرر قانون مجازات عمومی سابق، مفهوم افترا را گسترش داد و نسبت دادن هر گونه اعمال خلاف حقیقت را به طور مستقیم یا به‌عنوان نقل و قول اشخاص یا مقامات رسمی دولتی، خواه صریحاً یا تلویحاً، از مصادیق افترا شناخت.

بنابراین، افترا در اصطلاح عمل مجرمانه‌ای است که اجزای آن عبارتند از:

الف. اسناد: شرط اول تحقق جرم افترا، اسناد فعلی به دیگری است.

ب. جرم بودن اسناد

ج. صراحت در اسناد: اسناد باید صریح و نسبت به یک یا چند نفر معین باشد، ولی تصریح به اسم ضرورت ندارد.

د. اسناد عمل مجرمانه: این عمل باید به یکی از طرق مذکور در قانون باشد؛ مثلاً به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله انتشار و اعلان یا نطق در مجامع عمومی.

ه. عدم توانایی در اثبات اسناد: هر چند که عدم توانایی اثبات از عناصر جرم افترا نیست، ولی اثبات آن از موجبات معافیت از مجازات است.

و. عمد در اسناد: مقتری باید دارای عمد باشد. لذا اگر شخصی سهواً و بدون عمد جرمی را به کسی اسناد دهد، جرم افترا تحقق پیدا نمی‌کند، چه آنکه با فقد سوء نیت و رکن معنوی، عمل مجرمانه افترا قابل تصور و تحقق نمی‌باشد.

توضیح اینکه، برای تحقق هر جرمی، عناصر عمومی چندی لازم است و منظور از آن، عوامل یا شرایطی است که جرم بدون آنها تحقق پیدا نمی‌کند. اما باید توجه داشت که بعضی از عوامل یا شرایط تشکیل دهنده جرم که موجب تشخیص و تمیز جرایم از یکدیگر می‌شود، جنبه خصوصی دارد؛ یعنی، ناظر به شرایط خاصی است که وجود آنها، جرم خاصی را توصیف و تبیین

**افترا عبارت است از عملی که نسبت به توهین و هتک حرمت، یک مفهوم خاص دارد؛ یعنی، هتک حرمت اعم از افتراست، به نحوی که هر افترای هتک حرمت بوده ولی هر هتک حرمتی افترا نیست**

عقل حکم می کند که شخصیت معنوی افراد جامعه انسانی و حیثیت و شرافت آنها محترم و تعرض به آن مذموم و قابل مجازات باشد؛ چرا که شرع مقدس تعرض به حیثیت و شرافت انسانها را ناپسند دانسته و برای آن مجازات معین نموده است و عقل نیز بر این امر صحه می گذارد (کلمه حکم به العقل حکم به الشرع و کلمه حکم به الشرع حکم به العقل).

در سال ۱۳۵۵ ه. ق، مقنن در ماده (۲۷۹) قانون جزای عرفی و به دنبال آن در ماده (۲۶۹) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه. ش، به بیان جرم افترا پرداخت.

در سال ۱۳۱۳، قانونگذار تحت عنوان اشاعه اکاذیب در بند (ب) ماده (۲۶۹) مکرر الحاقی به قانون مجازات عمومی، مفهوم حقوقی افترا را گسترش داد و نسبت دادن هر گونه اعمال خلاف حقیقت به طور مستقیم یا به عنوان نقل قول به اشخاص یا مقامات رسمی دولتی را خواه صریحاً یا تلویحاً از مصادیق جرم افترا شناخت.<sup>(۶)</sup>

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانونگذار در مواردی در باب حدود و قصاص تحت عنوان (قذف) و در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ضمن فصل بیست و هفتم، از مواد (۶۹۷) الی (۷۰۰) تحت عنوان (افترا و توهین و هتک حرمت)، مقررات سابق قانون مجازات عمومی حاکم بر جرم افترا را با تغییراتی چند، مورد تصویب قرار داد. در ماده (۶۹۷) آمده است: "هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره- در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد، هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد."

در قوانین متفرقه دیگری نیز جرم افترا مورد توجه قرار گرفته است که از جمله آنها:

۱- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۴، بند "۶" ماده (۸) و مواد (۳۲) و (۳۰) و تبصره ماده (۳۱)، که جرم افترا از طریق مطبوعات پیش بینی شده است.

۲- قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۴/۵، مواد (۹۲ و ۷۱).

۳- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب

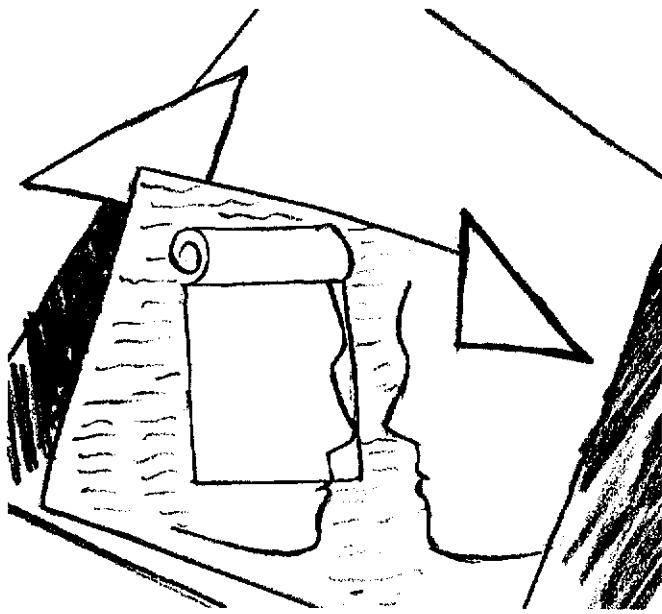
۲- ادله جرم؛ یعنی وجود نصی که عمل را منع و مجازات آن را بیان نماید. (عنصر قانونی)

۲- تحقق عمل مادی خارجی؛ یعنی انجام فعل و یا ترک فعلی که ایجاد کننده جرم است. (عنصر مادی)

۳- شرایط عامه تکلیف؛ یعنی مسئول شناخته شدن شخص در مقابل عمل ارتكابی که آن را "رکن معنوی یا روانی جرم می نامند". لازم به ذکر است، عناصر فوق عناصر عمومی جرم است که وجود آنها به طور کلی در تمام جرایم واجب است، ولی وجود این عناصر ما را از لزوم تحقق عناصر اختصاصی هر جرمی در راستای امکان مجازات بی نیاز نمی کند؛ مثل عنصر "ربودن پنهانی" در جرم سرقت؛ و لذا تفاوت بین عناصر عمومی و عناصر اختصاصی جرم در این است که عناصر عمومی در تمام جرایم به طور یکسان وجود دارد، در حالی که عناصر اختصاصی به اعتبار جرایم مختلف، متعدد و دارای انواع گوناگون است و جداگانه باید مورد مطالعه قرار گیرد.

**گفتار اول - میانی قانونی**

در ابتدا باید گفته شود که از نظر اسلام، حیثیت و شرافت اشخاص دارای اهمیت خاصی است. خداوند در قرآن کریم، ضربه و ضرر به حیثیت و شرافت انسان را منع و برای آن عقوبت دنیوی و اخروی قرار داده است،<sup>(۵)</sup> و به دنبال آن، ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز به عنوان قرآن ناطق، ارزش و اهمیت خاصی برای حیثیت و شرافت افراد قایل شده اند. مضافاً بر اینکه، اجماع فقهای ما نیز چنین اعمالی را مذمت نموده و با تاسی از قرآن و احادیث و روایات مجتمعاً به بحث پیرامون آن پرداخته و با ذکر مجازاتهای مقرر، در کتب خود به طور مفصل در فصول جداگانه ای هر یک را بررسی نموده اند. علاوه بر این،



۱۳۶۲/۱۲/۹، که در خصوص ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی مقرراتی وضع شده است.

### گفتار دوم - عنصر مادی

قانونگذار، صرف اندیشه و تصمیم به ارتکاب جرم را مجازات نمی‌کند و انجام فعل خارجی را برای تحقق جرم ضروری می‌داند. لذا در اینجا برای روشن تر شدن مطلب به بررسی اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی افترا می‌پردازیم:

#### بند ۱. فعل مادی مثبت:

عملیات اجرایی تحقق جرم افترا به صورت فعل مثبت مادی خارجی می‌باشد و برای اینکه بتوان مرتکب را مسئول شناخت، لازم است که واکنش مثبت از طرف مقابل صورت گرفته باشد. لذا ترک فعل نمی‌تواند رکن مادی این جرم قرار گیرد؛ چرا که لازمه اسناد، عمل مثبت مادی می‌باشد. همچنین از نظر فقهی، صرف اندیشه و تصمیم به ارتکاب جرم قابل مجازات نیست و برای تحقق جرم، نس مثبت مادی لازم است و ترک فعل را نمی‌توان به عنوان عنصر مادی جرم افترا شناخت.

#### بند ۲. جرم بودن و صریح بودن امر مورد انتساب:

مفتری باید عملی را که مطابق قانون جرم محسوب می‌شود به شخص یا اشخاص معین نسبت دهد؛ یعنی این که نسبت دهنده صریحاً ارتکاب عملی را که وفق قانون جرم است، به دیگری نسبت دهد.

صریح بودن انتساب بدین معناست که ابهام و اجمال در آنچه نسبت داده شده وجود نداشته باشد، به نحوی که خواننده یا شنونده عادی بتوانند مقصود مفتری را به نحو مطلوب

دریابد. همچنین ماهیت و کیفیت قضایی عمل نسبت داده شده بدون ابهام باید با یکی از مواد قوانین کیفری قابل انطباق باشد، که خود دارای خصوصیات است:

الف- ملاک جرم بودن، مواد قانونی است.

ب- قانون معتبر زمان اسناد جرم ملاک است، نه قانون زمان رسیدگی. (ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی)

ج- علم شخص به خلاف واقع بودن کافی است، مثلاً اگر مفتری بگوید فکر می‌کردم که سرقت امر خلافی است و نمی‌دانستم که جرم است و الا چنین نسبتی را به مفتری علیه نمی‌دادم، بر طبق این اصل، که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، این ادعا پذیرفته نمی‌شود.

د- امور خلافی و تخلفات انتظامی و اداری از شمول جرم خارج است.

ه- شرط وسیله در تحقق عمل مجرمانه.

و- علنی ساختن انتساب یا انتشار آن.

#### بند ۳. نسبت دادن عمل مجرمانه خلاف واقع به شخص

یا اشخاص معین:

هویت طرف افترا باید معلوم و مشخص باشد و مرتکب با هویت وی آشنایی داشته و شخصیت مفتری علیه معلوم و مشخص باشد و اگر طرف انتساب بیش از یک نفر باشد، عمل وی در حکم تعدد نخواهد بود. مثلاً اگر به عده ای بدون مشخص کردن بگوید: شما همگی کلاهبردارید. مشمول احکام تعدد جرم نمی‌شود.

از نظر فقهی، جرایم امور ممنوعه شرعی هستند که خداوند آنها را منع کرده و گناه دانسته است. این امور ممنوعه یا انجام فعل مورد نهی و یا ترک فعل مورد امر است، و این امور ممنوعه با وصف شرعی توصیف شده‌اند؛ زیرا واجب است که طبق نصوص شرعی منع شده باشند و فعل یا ترک آن تا زمانی که مجازاتی بر آن نباشد، به خودی خود جرم تلقی نمی‌شود چون اوامر و نواهی، تکالیف شرعی هستند

با توجه به اینکه اسناد از ارکان اصلی این جرم بوده و می‌تواند از راه‌های مختلفی تحقق پیدا کند؛ لذا مقنن، تحقق جرم افترا را موقوف به این نموده است که امر مورد انتساب به یکی از طرق مذکور در مواد قانونی صورت گیرد. قانونگذار در ماده (۲۶۹) ق.م.ع، مقرر می‌داشت: "هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله انتشار، اعلان یا اوراق چاپی یا اوراق مزبوره یا به وسیله نطق در مجامع... که برحسب آن، وسیله اسناد عبارتند از:

**الف- تحریر اوراق چاپی یا خطی؛**

ب- انتشار و اعلان با اوراق چاپی یا خطی؛

ج- نطق در مجامع.

مقنن جمهوری اسلامی، در ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی نیز (کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده) طرق انتساب جرم افترا را چنین احصا کرده است: "هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع...". پیرامون هر یک از موارد سه گانه فوق توضیح می‌دهیم:

**الف- انتشار اوراق چاپی یا خطی:**

نسبت دادن به دروغ به عمل مجرمانه به دیگری ممکن است به صورت ورقه دست نویس یا ماشین شده و یا چاپی و ارسال آن نزد مقامات رسمی و یا اشخاص عادی و یا خود طرف تحقق یابد؛ لکن اگر کسی طی نامه ای مطالب دروغ‌آمیز را به دیگری نسبت داده و سپس تحریر آن را نزد خود نگه داشته و علنی نسازد، مفتری نخواهد بود. لذا این مقدار فعل مرتکب به عنوان شروع به جرم افترا نیز قابل تعقیب و مجازات نیست؛ چرا که مقنن در تدوین ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی، یکی از شرایط اساسی تحقق جرم افترا را انتشار اوراق چاپی یا خطی قرار داده است.

بنابراین، علنی ساختن انتساب یا انتشار (عمل مجرمانه) از جمله شرایط اساسی تحقق بزه افترا به شمار می‌رود.<sup>(۸)</sup> مراد از انتشار عمل، غیر از ارسال ورقه افترا آمیز برای خود طرف جرم است و آن ممکن است به صورت توزیع اوراق چاپی یا خطی افتراآمیز در بین مردم از طریق مؤسسات پستی و غیره انجام شود و یا اینکه برگه‌های چاپی یا خطی را به در و دیوار معابر پجسباند و هر گاه نویسنده و ناشر اوراق افتراآمیز بیش از یک نفر باشد، در آن صورت مسئولیت کیفری انتشار ورقه افتراآمیز که بدون خواست و میل نویسنده و یا بدون اطلاع او صورت

**عملیات اجرایی تحقق جرم افترا به صورت فعل مثبت مادی خارجی می‌باشد و برای اینکه بتوان مرتکب را مسئول شناخت، لازم است که واکنش مثبت از طرف مقابل صورت گرفته باشد. لذا ترک فعل نمی‌تواند رکن مادی این جرم قرار گیرد؛ چرا که لازم است اسناد، عمل مثبت مادی می‌باشد**

گرفته باشد، متوجه ناشر یا ناشرین خواهد بود. در مورد تهیه برگه‌های افترا آمیز، گرچه در متن ماده (۶۹۷) فوق، اوراق به صورت جمع استعمال شده است، ولی منظور قانونگذار بیان نوع است، نه تعداد اوراق مورد استفاده و لذا استعمال لفظ اوراق در ماده بر حسب عرف و عادت و تبادل، دلالت بر یک برگ خطی یا چاپی افترا آمیز نیز دارد.<sup>(۹)</sup> به علاوه، ممکن است ورقه دست نویس توسط دیگری نوشته شده باشد و مفتری امضا کرده باشد و حتی در ورقه خطی شرط نیست که به خط خود مفتری و با امضا او باشد. بلکه اگر مطالب آن از طرف متهم تقریر شود و به وسیله منشی او روی کاغذ آید، هر چند امضا هم نداشته باشد، کافی خواهد بود.

**ب- درج اوراق چاپی یا خطی در روزنامه و جراید:**

در ماده (۲۶۹) قانون مجازات عمومی سابق، در خصوص موردی که جرم افترا از طریق درج نسبت‌های دروغ آمیز در روزنامه و مطبوعات انجام شده، حکم خاصی نداشت؛ لکن مقنن جمهوری اسلامی، در تدوین ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی، در بیان وسائل و طرقی که ممکن است برای اسناد اعمال مجرمانه به دیگری مورد استفاده مفتری واقع شود، انتشار موضوع افترا از طریق درج در روزنامه و جراید را در ردیف انتشار عمل مجرمانه به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا نطق در مجامع قرار داده است. بدیهی است در این باره رعایت مقررات قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۴۶ قابل توجه است. بند "۸" ماده (۶) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، مقرر می‌دارد: "افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و

هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد، مخل نظم عمومی محسوب و جلوگیری می شود.

ماده (۳۰) قانون فوق نیز مقرر می دارد: "انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش یا الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظایر آن به اشخاص ممنوع می باشد. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مذکور موکول به شکایت شاکی خصوصی است." در قوانین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نیز هتک حیثیت و افترا به کاندیدها ممنوع شناخته شده است.<sup>(۱۰)</sup>

### ج- نطق در مجامع (افترای شفاهی):

در نظر قانونگذار ایران، افترای شفاهی نیز قابل مجازات است. در این نوع افترا توجه خاصی به وسعت انتشار عمل مبذول شده است. بنابراین، اگر افترای شفاهی در حضور عده محدودی صورت پذیرد، بدین عنوان قابل تعقیب نیست و مجلس و تعداد حضار و شنوندگان باید به حدی و کیفیتی باشد که بتوان عرفاً به آنها مجمع اطلاق کرد.<sup>(۱۱)</sup> ولی باید گفت، چنانچه نسبت افترا به یک نفر هم گفته شود جرم تحقق یافته و لازم نیست در مجمع باشد یا چند نفر حضور داشته باشند، بلکه یک نفر هم کفایت می کند و حتی اگر به خود مفتری علیه بگوید و کس دیگری هم حضور نداشته باشد، جرم تحقق پیدا کرده است.

این قسم افترا از نظر مقنن، زمانی قابل تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود که در حضور جمعی صورت گیرد و بنابراین، هرگاه در جلسات سخنرانی، سخنران ضمن بحث صریحاً به یکی از اعضای حاضر در جلسه با ذکر نام و یا با اشاره به او عملی

را که مطابق قانون جرم است نسبت دهد و بعداً نتواند صحت آن را اثبات کند، مورد از مصادیق نطق در مجامع خواهد بود.

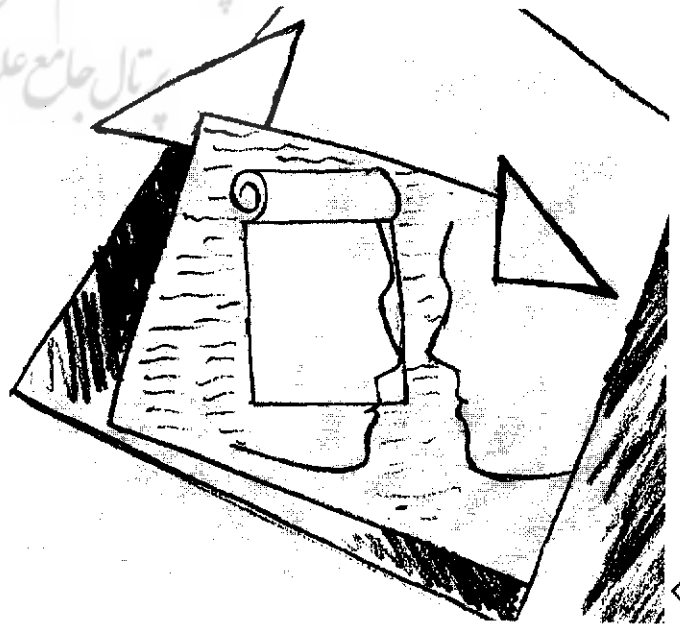
ضابطه تشخیص مجمع نیز عرف است و این امر بستگی به نظر دادگاه خواهد داشت و در مورد استعمال مجامع به صیغه جمع، مانند استعمال لفظ اوراق در ماده (۶۹۷)، متعدد بودن مجمع برای تحقق عنصر مادی افترای شفاهی شرط نیست، بلکه حکم ماده شامل یک مجمع هم می شود.

در مورد نطق در رادیو و تلویزیون و یا ضبط روی نوار و پخش آن و یا اسناد نسبتهای افترا آمیز از روی قصد و عمد توسط هنرپیشه روی صحنه سینما یا تئاتر نیز می تواند به عنوان مصادیق مجمع مشمول افترای شفاهی باشد، هر چند که مقنن به این طرق اشاره ای ننموده است؛ لکن به این علت، نطق در مجامع محسوب می شود که اولاً؛ لازم نیست در مجامع مختلف باشد و یک مجمع هم صدق می کند. بنابراین، پخش از طریق رادیو و تلویزیون و غیره چه مستقیم و چه غیر مستقیم مصداق نطق در مجامع است، ثانیاً؛ اگر از باب مجامع صدق نکند از باب دلیل اولویت صدق می کند و حتی از مجامع بالاتر است، چرا که امروزه با نطق در رادیو و تلویزیون، تمامی دنیا شنونده و بیننده آن هستند و نحوه پخش هم فرقی نمی کند، چه سینما باشد یا رادیو یا تلویزیون و غیره.

و اما در خصوص احصای طرق و وسائل ارتکاب جرم توسط مقنن، آنچه از منطوق و ظاهر ماده به دست می آید. این است که موارد مذکور در ماده (۶۹۷) حصری بوده و مفتری کسی است که تنها با ارتکاب یکی از عوامل مذکور در آن ماده مرتکب این جرم گردد؛ لکن در عصر حاضر و با پیشرفت و تعدد و وسائل ارتکاب جرم و پیدایش وسائل و طرق جدید همچنین وجود راههای دیگری که بتوان به وسیله آن به دیگری جرمی را نسبت داد، به نظر می رسد که لازم باشد در اصلاحات بعدی، مقنن حصری بودن وسیله و طریقه ارتکاب را از متن ماده برداشته و این نقص را مرتفع نماید.

### گفتار سوم: عنصر روانی

از نظر مقررات کیفری، گاهی قانون برای تحقق جرایم عمدی تنها وقوع عمل مجرمانه را صرف نظر از عواقب و نتیجه حاصله از آن کافی می داند که در این موارد تنها قصد عام مدنظر مقنن بوده است و در بعضی موارد، قوانین کیفری علاوه بر وجود قصد عام، تحقق جرم عمدی را موکول و مشروط به حصول نتیجه حاصل از آن می داند؛ در اینجا برای قصد مجرمانه نه تنها عمد عام لازم است، بلکه مرتکب فعل باید خواهان عواقب و نتیجه کاری را که انجام می دهد نیز باشد. (سوء نیت



**هویت طرف افترا باید معلوم و مشخص باشد و مرتکب با هویت وی آشنایی داشته و شخصیت مفتری علیه معلوم و مشخص باشد و اگر طرف انتساب بیش از یک نفر باشد، عمل وی در حکم تعدد نخواهد بود. مثلاً اگر به عده ای بدون مشخص کردن بگوید: شما همگی کلاهبردارید. مشمول احکام تعدد جرم نمی شود**

خاص) مضافاً بر اینکه، بعضی قانونگذاران عصر جدید، انگیزه مرتکب را در ارتکاب جرم مؤثر می دانند؛ یعنی برای تحقق عنصر روانی جرم، انگیزه در ارتکاب را شرط دانسته اند. اما در مورد جرم افترا روشن است که افترا از جمله جرایم عمدی است، هر چند که مقنن ما در متن ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات، واژه عمد را به کار نبرده است؛ ولی بدون تردید عمد و سوءنیت مرتکب شرط اصلی تحقق بزه افترا است. تنها مسئله قابل بحث این است که آیا مراد از عمد مرتکب تنها خواست انجام فعل و معرفت و آگاهی مفتری به دروغ بودن نسبت مجرمانه ای است که به دیگری می دهد؛ یعنی مرتکب، علم و آگاهی دارد که آنچه را می نویسد و به دیگری نسبت می دهد و یا با لفظ بیان می کند بی اساس و دروغ است و به عبارتی دیگر، وجود عمد عام برای تحقق عنصر روانی افترا کافی است و یا اینکه علاوه برخواست انجام فعل و معرفت و آگاهی مرتکب به نامشروع بودن نسبتی که به دیگری می دهد، احراز وجود قصد اضرار از ناحیه مرتکب به عنوان عمد خاص نیز ضرورت دارد؟ با مراجعه به مواد (۶۹۷) و (۶۹۸) و مقایسه آن دو مشخص می شود مقنن قصد اضرار یا همان سوء نیت خاص را در تحقق جرم افترا شرط دانسته است. همچنین انگیزه مرتکب در ارتکاب جرم افترا مؤثر در تحقق عنصر روانی جرم می باشد. بنابراین افترا جرمی است:

بند ۱ - عمدی: زیرا هر گاه مرتکب در نتیجه اشتباه یا سهل انگاری، موجبات هتک حرمت دیگری را فراهم نماید، مورد مشمول ماده (۶۹۷) قانون تعزیرات نخواهد بود.

بند ۲ - علم و آگاهی به کذب بودن عمل انتسابی: هر گاه مفتری به تصور اینکه امر صحیحی را به دیگری نسبت می دهد

باعث هتک حیثیت و حرمت او شود، مورد مشمول ماده نخواهد بود. منظور از علم در اینجا علمی است که در راستای سوء نیت باشد یعنی بداند و سوء قصد هم داشته باشد؛ و سوء نیت عام در این جرم همان اراده خود آگاه شخص در انتساب جرم به دیگری است.

بند ۳ - ارتجالی و ابتکاری بودن عمل انتسابی: از ملحقات مسئله سوءنیت در افترا، موضوع از پیش خود ساختن و ابتکاری و ارتجالی بودن انتساب است. بنابراین، اگر کسی در مقام دفاع از اتهامی که به او وارد شده است، به دروغ شخص دیگری را فاعل آن جرم معرفی کند، مفتری محسوب نخواهد شد. یا هرگاه در جریان تحقیق و بازجویی کسی در نزد مقام قضایی به دروغ شهادت دهد که فلان شخص (به فرض) قاتل است، در این مورد نیز اقدام او افترا نیست، بلکه مصداق شهادت کذب را دارد.

پس مطلق تظلم و شکایت به مراجع جزایی در صورتی که صرفاً به منظور احقاق حق بوده و توأم با سوءنیت نباشد. افترا به شمار نمی آید. رأی شماره ۲۶۱۴ مورخه ۱۳۱۹/۸/۲۵ محکمه عالی انتظامی قضات: "وقتی افترا به تظلم ها و شکایت ها صدق می کند که از خود شکایت معلوم شود مقصود شاکی اظهار دروغ برای اضرار مشتکی عنه بوده است و این قضیه باید در نظر دادگاه محرز گردد و الاً بر اساس قانون مسئولیت مدنی و با رعایت ماده (۷۶) آیین دادرسی کیفری (م ۶۹ سابق)، جبران خسارت خود را از اسناد دهنده بی باک و بی احتیاط بخواهد همچنین اگر در مقابل شکایت جزایی یک نفر، قرار منع تعقیب و تبرئه نسبت به مشتکی عنه از دادگاه صادر شده باشد، نمی توان شاکی را به عنوان افترا تحت تعقیب قرار داده و محکوم نمود مگر اینکه ثابت شود اقدام شاکی از روی حسن نیت نبوده و قصدش اضرار به طرف مقابل بوده و بالجمله، مطلق دادخواهی مادام که قصد اضرار محرز نشود جرم محسوب نیست." (۱۲)

همچنین به موجب حکم تمیز شمار ۱۵۸۶ مورخ ۱۳۱۷/۷/۹ محکمه عالی انتظامی قضات: "اگر کسی در مقام دفاع از اتهامی که به او وارد شده، به دروغ شخص دیگری را مرتکب آن جرم قلمداد کند، مفتری نخواهد بود." اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۱/۱۳۳۱۱ مورخ ۱۳۶۴/۷/۶، این عقیده را مورد تأیید و تاکید قرار داده است. (۱۳)

### گفتار چهارم - مجازات جرم افترا

مطابق ذیل ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی، شرط اساسی تحقق مجازات افترا این است که نسبت دهنده نتواند صحت آن اسناد را نزد مرجع صلاحیتدار ثابت نماید.

به عبارت دیگر، از نظر قانونگذار، ناتوانی نسبت دهنده از اثبات نسبت دروغ آمیزی که به دیگری داده است کاشف از مجرمیت اوست.

به نظر می رسد که تأکید و پیش بینی چنین شرطی در ذیل ماده (۶۹۷)، برای رعایت احترام به اصل برائت (اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از حق آزادی، اعلام شکایت، تظلم و دادخواهی است، به نحوی که اجرای این حق موجب هتک حرمت و حیثیت دیگران نشود.

به علاوه، منطق قضایی قانونگذار در تدوین عبارت (... و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید...) آن است که اثبات صحت امور منتسبه به دیگری، به مقتضای اصل برائت و رعایت قاعده (البینه علی المدعی) بر عهده نسبت دهنده خواهد بود.

همچنین، با نگاه به گذشته در می یابیم که مقنن در گذشته نیز شرط اساسی برای تحقق مجازات این بزه را "عدم توانایی در اثبات صحت اسناد" دانسته است. قسمت اخیر مواد (۲۶۹) و (۲۷۰) ق.م.ع سابق، مؤید این امر است.

مجازات افترا در قانون موضوعه بر حسب قسمت اخیر ماده (۶۹۷)، یک ماه تا یکسال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد است. (جز در مواردی که برای آن حد تعیین شده است) البته لازم به ذکر است که تعقیب و مجازات مفتری منوط به درخواست شکایت مفتری علیه است، چرا که در "حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست".<sup>(۱۴)</sup> لذا تا ادعای خصوصی در این زمینه مطرح نشود مفتری تعقیب و مجازات نخواهد شده؛ لکن در همه امور نیز چنین نمی باشد. چنان که وفق ماده (۲۷) قانون مطبوعات و تبصره ذیل آن که اظهار می دارد: "رسیدگی به جرایم موضوع مواد (... و ۲۷) تابع شکایت مدعی خصوصی نیست" که این مورد به دلیل اهانت به رهبر یا مراجع مسلم تقلید از طریق مطبوعات شاید اقدام مناسبی از سوی مقنن به شمار آید.

مضافاً بر اینکه، قاضی محکمه می تواند علاوه بر مجازات مقرر در قانون، در مواردی که لازم بداند، متهم را مدتی از حقوق اجتماعی محروم کند یا از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.<sup>(۱۵)</sup>

### فصل دوم: افترای عملی

با توجه به مطالبی که در مبحث افترا گذشت، مشخص شد که افترا در مورد قول و گفته صدق می کند و در روایات و فقه و سنت نیز افترا بر افتراهای قولی انصراف دارد؛ لکن مقنن

جمهوری اسلامی در ماده (۶۹۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)، در ذیل عنوان "افترا و توهین و هتک حرمت"، به بیان نوعی دیگر از افترا پرداخته است که منصرف به قول و گفته نیست، بلکه ناظر به اعمالی است که مرتکب آن بدون نسبت دادن جرم به دیگری (به طرق مذکور در قانون) یا نوشته یا گفته، مرتکب جرم افترا گردیده و تحت تعقیب قرار می گیرد. در اینجا به بررسی این جرم نیز که خود نوعی افتراست می پردازیم:

### گفتار اول - عنصر قانونی

مقنن جمهوری اسلامی در تشریح مقررات حاکم بر جرم افترا، علاوه بر حکم کلی ماده (۶۹۷) که به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت، در ماده (۶۹۸) نیز حکم این نوع افترا را که ناظر بر مواردی است که مفتری به قصد متهم نمودن دیگری با اعمال مثبت به صورت "گذاشتن" و "قرار دادن" و یا "مخفی کردن" آلات و ادوات جرم و یا اشیای اتهام آور در میان اموال و اشیای متعلق به دیگری پیش بینی نموده است. ماده (۶۹۹) مقرر کرده است: "هر کسی عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست، بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل، شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود."

### گفتار دوم - عنصر مادی

برای تحقق عنصر مادی افترای عملی، شرایطی چند به شرح ذیل لازم است:

بند ۱ - انجام فعل مادی مثبت:

مقنن صرف اندیشه و تصمیم به ارتکاب جرم را مجازات نمی کند. لذا در تحقق این جرم نیز انجام فعل مادی مثبت از سوی مرتکب لازم است و ترک فعل نمی تواند رکن مادی این جرم واقع شود.

با مراجعه به قانون مشخص می شود، مقنن نوعی فعل ارتكابی برای تحقق این جرم را نیز در ماده (۶۹۹) بیان داشته است. لذا قرار دادن یا مخفی کردن آلات و ادوات و اشیای اتهام آور در میان اموال و اشیای طرف و یا به نحوی متعلق به او قلمداد نمودن، اولین شرط تحقق عنصر مادی این جرم است؛ مثل اینکه آلت قتاله یا مال مسروقه یا مواد مخدر را در محل کسب یا کشوی میز یا جیب لباس کسی قرار دهد.



